

بررسی سنت‌های نظری علوم ارتباطات در ایران با اتکا بر هفت سنت نظری رابرت کرایگ

(فرا تحلیل رساله‌های دکتری رشته علوم ارتباطات در دانشگاه علامه

طباطبایی، طی یک دهه اخیر)
(صفحات ۹ تا ۳۲)

DOR: 20.1001.1.17358663.1402.18.55.1.1

نوع مقاله: پژوهشی

جواد بادین فکر^۱ * حسن بشیر^۲

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸

چکیده

از ابتدای تکوین دانش ارتباطات، میان‌رشته‌گی و چندپارگی این علم، مسئله محوری اندیشمندان این حوزه بوده و تاکنون تلاش‌های زیادی برای توضیح رشته‌ای بودن و یا حتی پسا رشته‌ای بودن این علم ارائه شده است. مسئله اساسی این مقاله مطالعه سنت‌های نظری ارتباطات در ایران است. سوال اصلی این مقاله از این قرار است که: بیشترین و مهم‌ترین سنت‌های نظری به کارگرفته شده در رساله‌های دکتری رشته علوم ارتباطات در دانشگاه علامه طباطبایی طی یک دهه اخیر کدام است؟ برای پاسخ به این سوال از چارچوب نظری «هفت سنت نظری ارتباطات» از منظر رابرت کرایگ (۲۰۰۷) استفاده شده است. همچنین با استفاده از روش فراتحلیل به بررسی ۵۶ رساله دکتری (تمامی رساله‌ها) پرداخته شده است. از نتایج مهم این تحقیق این است که بیشترین استفاده از سنت‌های نظری در ایران به ترتیب شامل: ۱- سنت اجتماعی فرهنگی (۳۰ درصد)؛ ۲- سنت انتقادی (۲۵ درصد)؛ ۳- سنت روان‌شناسی اجتماعی (۲۴ درصد)؛ ۴- سنت نشانه‌شناسی (۱۴ درصد)؛ - سنت پدیدارشناسی (۳ درصد)؛ ۶- سنت سایبرنتیک (۳ درصد) و ۷- سنت بلاغی (۱ درصد) می‌شود. همچنین از دیگر نتایج این پژوهش این است که ۴۷ درصد رساله‌های دکتری این دانشگاه به نظریات ارجاع مستقیم داده‌اند، ۵ درصد از نظریات به عنوان چارچوب پژوهشی استفاده کرده‌اند و ۴۸ درصد به سمت ترکیب یا ساخت نظریه‌ای جدید حرکت کرده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت در رساله‌های دکتری رشته ارتباطات دانشگاه علامه، اشاره به سنت‌های نظری ارتباطی بسیار نادر و کم است.

واژگان کلیدی: دانشگاه علامه طباطبایی، رساله‌های دکتری، سنت‌های ارتباطی، فراتحلیل.

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m.j.badini74@gmail.com

۲. استاد گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
bashir@isu.ac.ir

۱- بیان مسأله

پس از گذشت چندین دهه از تأسیس رشته علوم ارتباطات، هنوز یکی از سوالات اصلی این است که آیا این رشته میدان مشترکی که بتواند همه حوزه های موضوعی خود را ذیل یک معرفت شناسی واحد جمع کند، وجود دارد؟ هنوز در سراسر دنیا تعریف واحد و مشخصی از ارتباطات وجود ندارد و دانشکده ها، انجمن ها، نشریات و... هر یک با تعریف خاصی از ارتباطات به پژوهش در این حوزه می پردازند. این عدم توافق درباره ارتباطات که آیا باید آن را یک حوزه، علم، رشته و یا هنر بدانیم خود بیانگر نوعی ابهام در این رشته است (ویسبورد، ۲۰۱۹: ۳۰). ارتباطات در ابتدا به عنوان دانشی قوام یافته که دارای استوانه های اصلی معرفت شناسی باشد، مطرح نبوده است؛ لذا دانشمندان این حوزه (مانند لیتل جان، کرایگ و...) تلاش کرده اند تا از طریق ادبیات «میان رشته ای» آن را توضیح دهند. در دهه ۱۹۲۰ تئوری ارتباطات زیرشاخه ای از مهندسی برق بود که با تحلیل های ریاضی از پردازش های سیستمی همراه بود. تنها در اواخر دهه ۱۹۴۰ بود که «تحقیقات ارتباطی» به عنوان یک علم اجتماعی میان رشته ای سازمان دهی شد و اصطلاح «نظریه ارتباطات» به مجموعه ای نظریات که علوم مختلف را بر می گرفت اطلاق شد (Craig & Xiong, 2022: 2).

برخلاف دیسیپلین ها که در واقع تشکیل یافته از سامانه ای از قواعد هستند که بر یک مسیر یا منطق حاکم است، میان رشته ها این منطق و نظم را کنار می زنند و میان چندین سامانه و قاعده ارتباط ایجاد می کنند و خود تبدیل به عنصر جدیدی از علم نائل می شوند (یوسفی و بدره، ۱۳۹۶). در مقابل، عده ای به میان رشته ای بودن این علم منتقد هستند و معتقدند ارتباطات نه یک میان رشته بلکه یک پسارشته است؛ به عنوان مثال، ویسبورد معتقد است که ارتباطات به جای آن که مسیر خطی را برای تبدیل شدن به یک رشته منسجم علمی در پیش بگیرد، مدام گرایش های جدیدی را در خود ادغام می کند. به همین جهت او معتقد است که ارتباطات حتی یک میان رشته نیست، بلکه یک پسارشته است. فرض پسارشته ها این است که مرز رشته ای سیال است. او درباره تفاوت میان رشته ها و پسارشته ها می نویسد: «میان رشته ای ها مرزهای مرسوم را پست سر می گذارند و در مؤلفه های تحلیلی و نظری که به طور سنتی به وسیله رشته ها تعریف می شود، ریشه دارند؛ در حالی که پسارشته ها این گونه نیستند. پسارشته اساساً به تولید دانش درباره پدیده های مشخص، فارغ از سرسپردگی های

روشن رشته‌ای علاقه دارد» (ویسبورد، ۲۰۱۹: ۱۸۲-۱۹۰). در نتیجه، او به پروژه‌ای وحدت‌بخش ناظر به ارتباطات که آشفتگی‌ها و چندگانگی‌ها را کاهش دهد، بدبین است و در عوض، معتقد است که ارتباطات باید این پسا‌رشتگی را بپذیرد؛ مانند سوزان هریست که معتقد است باید به خصلت پسا‌رشته‌ای ارتباطات افتخار کرد (Herbst, 2008: 606). با این حساب، بحران تعریف مرزهای علمی دانش ارتباطات باعث شده تا این رشته نتواند منطبق رشته‌ای خود را به صورت منقح که وحدت‌آفرین باشد، بیان کند، به طوری که تنها تا سال ۱۹۵۲ کروبر و کلاکسون ۱۶۴ تعریف از ارتباطات را احصاء کرده‌اند (بشیر، ۱۳۸۷؛ به نقل از کروبر و کلاکسون، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

ارتباطات در میان چند دهه فعالیت به عنوان رشته دانشی، عملاً در میان مرزهای سایر علوم حرکت کرده است و از منابع غنی آن‌ها بهره برده است، اما هیچ‌وقت خود به یک رشته منسجم تبدیل نشده است. علت گرایش‌های زیاد موضوعی ارتباطات شاید به همین جهت باشد. اندیشمندان اولیه این دانش مانند کارل هاولند و ویلبر شرام به ایجاد وحدت نظری این علم امیدوار بودند، اما در عمل تغییرات سریع در رخدادهای ارتباطی و عدم تمرکز نظری برای ساخت دستگاه معرفتی منسجم برای این علم بسیاری را بر این واداشت که این دانش جایگاه رشته‌ای پیدا نخواهد کرد. وجود شکاف‌های هستی‌شناختی در کنار شکاف‌های معرفت‌شناختی، به راحتی قابل رفع نیست و این چندپارگی در علم ارتباطات اجتناب‌ناپذیر است (ویسبورد، ۲۰۱۹: ۱۰۵-۱۰۹). در این میان، افراد دیگری مانند رابرت کرایگ هستند که علی‌رغم تأیید بی‌ثباتی و عدم انسجام دانش ارتباطات، همچنان به رشته‌ای بودن این علم امیدوار هستند: «هرچند نظریه ارتباطات هنوز یک حوزه منسجم نیست، اما من باور دارم که ارتباطات می‌تواند و باید تبدیل به یک حوزه شود. به وجود آمدن این حوزه، بسته به میزان درگیر شدن ما به عنوان نظریه‌پردازان ارتباطات با اهداف و سوالاتی است که به لحاظ اجتماعی دارای اهمیت می‌باشند و نیز مباحثات و مناقشاتی که متأثر از سنت‌های رشته‌ای، تخصص‌های ماهوی، روش‌شناسی‌ها و مکاتب فکری مختلف که اکنون ما را از هم جدا می‌کند، می‌باشد» (Craig, 2007: 64). در نتیجه، دو راه بیشتر متصور نیست؛ یا مانند هریست و ویسبورد و دیگران، باید خصلت فرارشته‌ای یا میان‌رشته‌ای ارتباطات را بپذیریم و هر روز مرزهای بیشتری از علوم را در سپهر دانش ارتباطی داخل کنیم و ارتباطات را صرفاً به یک دانش کاربردی و

عمل‌گرا تبدیل کنیم و یا مسیری که افرادی چون کرایگ آغاز کرده‌اند، به نظام دانشگاهی در سطح ملی و بین‌المللی کشیده شده و درباره هسته این دانش از حیث هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، وارد دیالوگ شویم، حتی اگر به یک فراگفتمان نظری از دانش ارتباطات برسیم. به همین منظور، مسئله اصلی در این مقاله بررسی نظام تولید علم دانشگاهی در حوزه ارتباطات است.

یکی از خلأهای جدی در خصوص نظریه ارتباطات در ایران که باعث می‌شود تا سنت واحدی در آن شکل نگیرد، عدم بررسی دقیق نظام انباشت دانشی در حیطه ارتباطات و سنت‌های استفاده شده در نظام آکادمیک است؛ به بیان دیگر، برای نظریه‌پردازی در خصوص ارتباطات، ابتدا باید وضعیت رویکردهای نظری به این مطالعات مشخص شود. به نظر می‌رسد پس از چند دهه حضور رشته تخصصی ارتباطات در فضای دانشگاهی ایران، می‌توان با مطالعه آثار پژوهشگران ارتباطات، به فهم ایشان از ارتباطات و زیرشاخه‌های آن نائل شد و در نتیجه توصیف و تحلیل آن، به سیاست‌های مشخصی جهت تحول این دانش در ایران دست یافت؛ به همین منظور، ابتدا پیشینه پژوهش داخلی و خارجی شرح داده خواهد شد و سپس سوالات تحقیق به تفکیک مطرح می‌شود. در قسمت بعد چارچوب نظری مقاله مبتنی بر «هفت سنت ارتباطی» رابرت کرایگ تشریح می‌شود. همچنین در بخش روش‌شناسی، فرآیند انتخاب و جمع‌آوری داده و همچنین روش فراتحلیل که مبنای تحلیل این پژوهش است، توضیح داده خواهد شد؛ سپس نتایج پژوهش توصیف خواهند شد و در بخش نهایی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲. ادبیات پژوهش

۱.۲. ادبیات تجربی

مهم‌ترین اثری که با دغدغه فراتحلیل آثار پژوهشی ارتباطات در ایران انجام شده است، مقاله‌ای است که در سال ۱۳۹۱ توسط علیرضا عبداللهی نژاد و حسین افخمی با عنوان «ارتباطات سیاسی در ایران: فراتحلیل مقاله‌های علمی موجود» در نشریه جستارهای سیاسی معاصر به چاپ رسیده است. نویسندگان در این اثر به سراغ آثار پژوهشی در قالب مقاله و در ۵ نشریه معتبر داخلی رفته‌اند. این پژوهش بر آن است تا با فراتحلیل کردن

مقالات مربوط به ارتباطات سیاسی در پنج فصلنامه مذکور بتواند تصویری نسبتاً دقیق از زمینه‌ها و پیشینه‌های علمی ارتباطات سیاسی در ایران و وضعیت کنونی این حوزه به دست دهد و چشم‌انداز آتی آن را توصیف و پیش‌بینی کند. این پژوهش همچنین درصدد است جهت‌گیری‌های علمی انجام شده در حوزه ارتباطات سیاسی و همچنین قلمروهای متنوع موضوعی مورد توجه پژوهشگران ایرانی، مانند انتخابات، افکار عمومی، رفتار سیاسی و غیره را مشخص سازد. تفاوت اصلی مسئله پژوهش حاضر با پژوهش انجام شده در سال ۱۳۹۱ ابتدا در موضوع است. پژوهش حاضر به دنبال فهمی کلان از نظریه ارتباطات در ایران دارد و نه صرفاً ارتباطات سیاسی؛ ثانیاً مبنای تحلیل در پژوهش ما سنت‌های ارتباطی کرایگ و فهم سایر سنت‌های نظری در ایران است، درحالی که مقاله افخمی و عبداللهی اساساً به دنبال فهم وضع ارتباطات سیاسی در ایران هستند؛ ثالثاً مورد پژوهش ما رساله‌های دکتری است، اما مورد پژوهش افخمی مقالات چاپ‌شده در نشریات بوده است.

درخصوص نظریه‌پردازی در حوزه رشتگی ارتباطات نیز کتاب «تخته‌پاره‌ها در آمدی به فلسفه ارتباطات» یک اثر تألیفی است. یوسفی و بدره اشاره می‌کنند که موضوع «تعریف ارتباط» جزو نخستین و مهم‌ترین سؤالاتی است که باید در حوزه فلسفه ارتباطات بحث و بررسی شود، اما سپس خود اذعان می‌کنند که چالش اساسی درباره تعریف ارتباطات، روش‌شناسی تعریف است. سوال اساسی این است که با اتکا به چه نظام روشی می‌توان تعریف جدیدی ارائه کرد یا تعاریف موجود را نقد و بررسی کرد؟ این اثر به فراتحلیل مطالعات ارتباطی ایران پرداخته است.

همچنین پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهدی یوسفی با عنوان «فلسفه و فراترزیه‌های دانش ارتباطات؛ در آمدی بر چارچوب اسلامی» (۱۳۸۹) اولین پایان‌نامه علمی در این زمینه است. این اثر به آشفتگی رشته ارتباطات می‌پردازد و سؤالات اصلی آن عبارت‌اند از: ۱- جریان‌های اصلی در تاریخ‌نگاری ارتباطات کدامند؟ ۲- آیا ارتباطات یک حوزه است و یا یک رشته و یا دانشی فراتر از این دوگانه؟ ۳- دانش ارتباطات چه نوع مطالعات میان‌رشته‌ای را شامل می‌شود؟ این پایان‌نامه پیشنهاد می‌کند یک زیر حوزه مطالعاتی در رشته ارتباطات، با عنوان «فلسفه ارتباطات» تأسیس گردد. این اثر به فراتحلیل مطالعات ارتباطی ایران پرداخته و همچنین مبنای خود را نظریه کرایگ قرار نداده است.

یکی از آثار تازه تألیف که با مسئله پژوهش ما دغدغه مشترک دارد، دکتر سیلویو ویسبورد است که در سال ۲۰۱۹ کتابی با عنوان «ارتباطات: یک پسا رشته» منتشر کرده است. او در بخشی از این کتاب فرا تحلیلی بر آثار ارسال شده به نشریه مطالعات ارتباطی انجمن بین المللی ارتباطات انجام داده است تا مشخص کند عمده آثاری که به این نشریه ارسال می شود، چه خصوصیتی داشته است و همچنین رشته نویسندگان این آثار چه بوده است؟ او در این کتاب به ایده پسا رشته‌گی ارتباطات دست می یابد و شش سنت نظری به ارتباطات معرفی می کند که عبارت اند از: اتصال، دیالوگ، نمایش، اطلاعات، اقناع و تعامل نمادین.

سوالات پژوهش

الف- سوالات اصلی

- مهم ترین سنت های ارتباطی، طبق نظریه سنت های ارتباطی کرایگ، در دانشگاه علامه طباطبایی کدام است؟

- وضعیت ساخت نظریه در رساله های دکتری ارتباطات چگونه است؟

ب- سوالات فرعی

- پر تکرار ترین کلیدواژه های به کار رفته در چکیده رساله ها کدام است؟

- کدام حوزه های موضوعی ارتباطات، بیشترین پژوهش ها را به خود اختصاص داده است؟

- بیشترین رویکردهای روشی اتخاذ شده در رساله های دکتری کدام اند؟

- بیشترین روش های تحلیلی مورد استفاده در رساله های دکتری کدام اند؟

۲.۲. ادبیات نظری

اندیشمندان مختلفی در سراسر دنیا برای صورت بندی دانش ارتباطات تلاش کرده اند؛ به عنوان مثال، جان فیسک در کتاب «درآمدی بر مطالعات ارتباطی» از دو مکتب عمده ارتباطات سخن می گوید. مکتب فرآیندی یا انتقال پیام که فرستنده، پیامی را به گیرنده منتقل می کند و مهم ترین هدف این الگو، ارتباطات مؤثر است. دیگری مکتب تولید و تبادل معانی است که اساس آن بر نشانه شناسی و عنصر دلالت است و هدف فهم و تفسیر پیام و تولید معنا در کنش اجتماعی است (فیسک، ۱۹۹۰). همچنین جیمز کری به دو دیدگاه کلان در ارتباطات اشاره می کند. یکی دیدگاه انتقالی ارتباطات که به معنای

فرآیند انتقال و دریافت پیام‌ها از راه دور است و دیگری، دیدگاه آیینی ارتباطات است که در آن ارتباطات ابزار اصلی پیوند اجتماعی است (ون لون، ۲۰۰۷: ۲۲). عمده تلاش‌های دهه ۱۹۸۰ بر این بوده که از ارتباطات صورت‌بندی قابل فهم و متعین ارائه کنند که نمود آن را می‌توان در شماره ویژه مجله ارتباطات با موضوع «آشوب درون حوزه‌ای» در سال ۱۹۸۳ مشاهده کرد (هارت، ۱۹۹۲: ۳۷).

یکی از طبقه‌بندی‌های بسیار مفید در زمینه سنت‌های نظری ارتباطات، اثر رابرت کرایگ است. کرایگ ابتدا تلاش می‌کند تا به توضیح منسجمی از بازتعریف رشته‌ای دانش ارتباطات دست یابد. او می‌نویسد: «تمام نظریه‌های ارتباطات به یک جهان عملی مشترک مرتبط‌اند، به نحوی که ارتباطات پیش از این، اصطلاحی کاملاً معنادار بوده است. نظریه ارتباطات، در این دیدگاه، یک حوزه منسجم عمل فراگفتمانی است؛ حوزه‌هایی از گفتمان درباره گفتمان با تلویحاتی برای عمل ارتباطات. سنت‌های مختلف نظریه ارتباطات هر کدام شیوه‌های متمایزی برای مفهوم‌پردازی و بحث درباره مسائل و عمل‌های ارتباطی ارائه می‌دهند. این شیوه‌ها از باورهای معمولی خاصی درباره ارتباطات نشئت گرفته و باورهای دیگری را به چالش می‌کشند. در گفتگوی میان این سنت‌هاست که نظریه ارتباطات می‌تواند با گفتمان (یا فراگفتمان) عملی رو به رشد ارتباطات در جامعه تعامل کند» (Craig, 2007: 64). کرایگ معتقد است که ارتباط پژوهان هر ایده یا نظریه‌ای که درباره ارتباطات است، بدون توجه به منشأ و ریشه‌ها، از آن خود می‌کنند و در ادامه کار زیادی بر روی نظریه‌پردازی از آن نمی‌کنند و ایده جدیدی خلق نمی‌کنند «به بیان دیگر، با خارج کردن نظریه‌ها از محیط رشته‌ای که در آن رشد کرده و قابل تکثیر بوده‌اند، آن‌ها را به زیر خاک می‌برند.» (Craig, 2007: 65).

هدف کرایگ رسیدن به یک نظریه واحد که تمام نظریات حول آن باشد، نیست و عملاً این یک افسانه رنگارنگ است؛ چرا که هیچ‌یک از نظام‌های دانش علمی به این سمت حرکت نمی‌کنند، بلکه هدف کرایگ رسیدن به یک انسجام گفت‌وگویی است. او توضیح می‌دهد که هدف ما باید رسیدن به یک آگاهی مشترک درباره هم‌نوایی‌ها و درعین حال اختلاف‌ها میان گونه‌های مختلف نظریه ارتباطات است، به طوری که همه به این آگاه باشیم که این گونه‌های مختلف نظری نمی‌تواند در انزوای کامل از نظریه‌های دیگر توسعه یابد، بلکه باید به صورت دیالکتیکی با استدلال‌های سایر نظریه‌های مواجه

شود (Craig, 2007: 65). در نهایت، کرایگ رشته ارتباطات را به عنوان یک فراگفتمان نظری در نظر می گیرد که این فراگفتمان نظری منبعث شده از فضای ارتباطی زندگی روزمره است. او معتقد است که فراگفتمان نظری از فراگفتمان کاربردی در زندگی روزمره آمده است و به شدت این فراگفتمان در دیالکتیک مستقیم با کارکردهای عملی ارتباطات در جریان زندگی است (Craig, 2007: 72)؛ لذا او از هفت سنت ارتباطی سخن می گوید که درعین حال که از هم متمایز و مرز گذاری شده اند، اما همگی در یک ارتباط و تشابه با هم قرار دارند و از گفتمان های ارتباطی و کاربردی نشئت گرفته اند. او در آخرین مطالعات خود از یک فرامدل ارتباطی سخن می گوید و معتقد است که متامدل می تواند به عنوان یک چارچوب اکتشافی برای گفتگوی چندفرهنگی در مورد نظریه ارتباطات عمل کند و سایر فرهنگ ها و سنت های نظری نیز می توانند در یک انسجام دیالوژیک-دیالکتیکی، به بازطراحی این فراگفتمان یاری رسانند (Craig & Xiong, 2022: 5)؛ به عنوان مثال می توان به ایده «هم شناسی فرهنگی» غمامی و اسلامی تنها اشاره کرد که الگوی ارتباطات میان فرهنگی در قرآن را تشریح کرده است و یک رویکرد اسلامی در ارتباطات را بسط داده است (غمامی و اسلامی تنها، ۱۴۰۱).

در ادامه هر یک از هفت سنت نظری ارتباطات را توضیح می دهیم، چرا که چارچوب تحلیلی مقاله نیز بر اساس این هفت سنت بنا شده است.

۱. سنت خطابه: ارتباطات به عنوان هنر کاربردی گفتمان

خطابه قدیمی ترین سنت ارتباطات است که اول بار در نوشته های سوفسطائیان، افلاطون و ارسطو به شکل نظریه درآمد. این سنت، چرایی اهمیت مشارکت ما در گفتمان ها و چگونگی وقوع آن در گفتمان های عمومی را مورد بررسی قرار می دهد. «این سنت این باور مشترک را به چالش می کشد که کلمات نسبت به کنش ها اهمیت کمتری دارند، دانش حقیقی بسیار بیشتر از دیدگاه صرف است و گفتن حقیقت رک و راست چیزی بیش از تغییر راهبردی یک پیام به یک مخاطب است» (Craig, 2007: 73). همان طور که سایر اندیشمندان نیز اشاره کرده اند، سنت بلاغی از یونان باستان تا کنون مهم ترین بخش ارتباطات را شامل می شده است و امروزه نیز با عنوان های ارتباطات اقناعی و... صورت بندی می شود. برون جانسون در این باره می نویسد: «تاکنون قدیمی ترین مجموعه ایده هایی که در نظریه ارتباطی تأثیر قابل ملاحظه داشته اند، از دل

سنت بلاغت خارج شده‌اند. از نظر ارسطو، بلاغت منبعی از یک شکل خاص دانش بود که محتمل و عقلایی بود، درحالی‌که منطق عموماً یک دانش لازم یا مطمئن تولید می‌کرد (دونزباخ، ۲۰۰۸: ۵۸).

۲. سنت نشانه‌شناسی: علم مطالعه نشانه

این سنت دومین سنت نظری ارتباطات است که به علم مطالعه نشانه اشاره دارد؛ اگرچه مسئله دلالت و نشانه‌ها از زمان آگوستین قدیس در قرون وسطی نیز مطرح شده بود، اما نشانه‌شناسی نوین توسط جان لاک و در نظریه زبانی او متجلی شد. به بیان دیگر، لاک این ایده را مطرح می‌کند که ما به واسطه نشانه‌ها به یک جهان میان ذهنی وارد می‌شویم. «از نظر لاک، ارتباط کرداری بود که با آن دو یا چند ذهن ایده‌هایی درباره جهان را باهم به اشتراک می‌گذارند. او زبان را یک مجرا میان معنای شخصی و فهم مشترک می‌داند» (دونزباخ، ۲۰۰۸: ۴۳-۴۴). این نظریه با پیرس و سوسور که کارهای نشانه‌ای آن‌ها دو دیسپلین کاملاً متفاوت نشانه‌شناسی را بنیان گذاشته است، ادامه یافته و به سمت نظریه‌های کنونی حرکت کرده، امروزه ذیل زبان، گفتمان، تفسیر، ارتباطات غیر کلامی، فرهنگ و رسانه‌ها مطرح می‌شود. «در سنت نشانه‌شناختی، ارتباطات نوعاً به مثابه واسطه‌گری میان ذهنی نشانه‌ها نظریه‌پردازی شده است. ارتباطاتی که در این شیوه نظریه‌پردازی شده، استفاده از زبان و دیگر سامانه‌های نشانه‌ای را تبیین و پرداخت می‌کند تا میان چشم‌اندازهای متفاوت، واسطه‌گری کند. در سنت نشانه‌شناختی، مسئله‌های ارتباطات در ابتدا، مسئله‌های (باز) نمایش و انتقال معنی‌اند... نظریه نشانه‌شناختی ارتباطات وقتی مقبول و کاربردی می‌نماید که به این باورهای عرفی چنگ می‌زند: اینکه ساده‌ترین ارتباط زمانی اتفاق می‌افتد که ما زبان مشترکی را به کار می‌گیریم، اینکه کلمات می‌توانند برای آدم‌های گوناگون معانی گوناگونی بدهند و از این‌رو سوء ارتباط یک خطر همیشگی است، اینکه معانی اغلب غیرمستقیم یا با وجوه ظریف رفتاری که اغلب ممکن است به آن‌ها توجه نشود منتقل می‌شوند و اینکه هر ایده‌ای را باید از طریق رسانه خودش منتقل کرد.» (Craig, 2007: 78).

۳. سنت پدیدارشناسی: ارتباطات چونان تجربه دیگری

سنت پدیدارشناسی که به معنای مدرنش از هوسرل در قرن ۲۰ آغاز می‌شود و از رهیافت‌های پدیدارشناسان اگزیستانسیال و هرمنوتیک استفاده می‌کند، ارتباطات را به

صورت تجربه «خود و دیگری» در گفت و گو مفهوم سازی می کند. از متفکران اصلی این سنت می توان به مارتین بوبر، گادامر، کارل راجرز و میخائیل باختین اشاره کرد. این سنت خود و دیگری را در گفت و گوی ناب دنبال می کند. کرایگ در این خصوص می نویسد: «ارتباط درست، یا همان گفت و گو، مبتنی بر تجربه مستقیم و بی واسطه برقراری پیوند با دیگران است. فهم ارتباطی در تجربه پیشاتأملی که از وجود جسمانی ما در یک زیست جهان مشترک ناشی می شود، شروع می شود. پدیدارشناسان این گونه استدلال می کنند که ما به محض کنار گذاشتن دو گانه انگاری های ذهن و بدن و سوژه و ابژه می بینیم که پیوند مستقیم و بی واسطه با دیگران یک تجربه انسانی تماماً ضروری و بسیار واقعی است، گرچه ممکن است یک تجربه ناپایدار باشد که به سادگی به شکلی از عدم اعتبار و صحت فرو بیفتد» (Craig, 2007: 79).

۴. سنت سایبرنتیک: ارتباط به مثابه پردازش اطلاعات

سایبرنتیک یا علم فرمانش در مهندسی برق شکل گرفت. این سنت در خلال مطالعات اندیشمندانی چون شانون، وینر، وون نیومان و تورینگ ایجاد شد و ارتباطات را بیشتر به عنوان پردازش اطلاعات بررسی می کند. این سنت به نظریه نظام ها یا سیستم ها بسیار متکی است و تمام موجودات زنده و غیر زنده را دارای کارکرد مشخصی می داند که گاهی ممکن است به واسطه نقص هایی به ضد کارکرد نیز تبدیل شوند. همچنین، این سنت «با مجسم کردن مدل انتقالی، مسئله های ارتباطات را به مثابه ایراداتی در جریان اطلاعات درک می کند که ناشی از پارازیت، اضافه بار اطلاعات، یا ناسازی میان ساختار و کارکرد است و فن آوری های گوناگون پردازش اطلاعات و روش های مربوطه برای طراحی و تحلیل، مدیریت و در بخش «نرم» مداخله درمان گرانه را به مثابه منابعی برای حل چنین ایراداتی پیش رو می نهد» (Craig, 2007: 81).

۵. سنت اجتماعی- روان شناختی: ارتباطات چونان بیان، کنش متقابل و تأثیر

سنت روان شناسی اجتماعی در قرن بیستم که بر بسیاری از مدل ها و نظریات دانش ارتباطات سایه انداخت، ارتباطات را بسان بیان، کنش متقابل و تأثیر، نظریه پرداز می کند. این سنت با هدف اثرگذاری بر مخاطب یا رابطه انسانی ایجاد شده است و در بسیاری از عملیات های رسانه ای نیز به کار گرفته شده است. «ارتباطات، اجماًلاً فرآیندی است که افراد از رهگذر آن کنش متقابل دارند و بر روی همدیگر تأثیر می گذارند.

ارتباط می‌تواند رو در رو یا از رهگذر رسانه‌های فن آورانده رخ بدهد و از یکی به دیگری جریان یابد، یا از یکی به بسیاری، یا از بسیاری به بسیاری، ولی در همه اشکال دربرگیرنده (برخلاف دیدگاه پدیدار شناختی) عناصر مداخله کننده‌ای است که میان افراد واسطه‌گری می‌کنند» (Craig, 2007: 82). از جمله نظریه‌ها و نظریه‌پردازان این سنت می‌توان به پویایی گروهی (کورت لوین)، اقناع (کارل هاوولد) و ناهماهنگی شناختی (فستینگر) مطالعات رأی‌گیری (لازاراسفلد) اشاره کرد.

۶. سنت اجتماعی - فرهنگی: ارتباط به مثابه (باز) تولید نظم اجتماعی

جورج هورتون کولی و جورج هربرت مید از جامعه‌شناسان آمریکایی اوایل قرن بیستم بودند که به ایجاد و پایداری این سنت کمک کردند. در این سنت، ارتباطات به شکل فرآیندهای کنش متقابل از طریق رمزهای فرهنگی تعیین می‌شود که افراد در راستای فرهنگ پذیری و فهم متقابل از آن استفاده می‌کنند. این سنت به تولید و بازتولید ساختارهای خرد و کلان اجتماعی می‌پردازد. همچنین مسئله نظم اجتماعی و چگونگی ایجاد و ابقای آن از خلال کنش‌های متقابل از دیگر محورهای اصلی این سنت به حساب می‌آید (Craig, 2007: 83). عمدتاً جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو در آمریکا از نمایندگان اصلی این سنت محسوب می‌شوند. از دیگر موضوعات مورد بررسی این سنت، مطالعه تغییرات اجتماعی و نحوه عملکرد ساختارهای هنجارین و ارزشی جامعه بر افراد و از طرفی ساخت یابی ارزش‌ها بر اساس کنش افراد است.

۷. نظریه انتقادی: ارتباط چونان تأمل گفتمانی

خواستگاه فلسفی این رویکرد را می‌توان به منطق دیالکتیکی افلاطون در گفت‌وگوها و پرسش‌های انتقادی او که بر نقطه تعارض‌های گفتار دیگری بنا شده بود، دانست. این سنت معتقد است که ارتباط در یک فرآیند از تأمل گفتمانی رخ می‌دهد و با رویکردهای آیینی و انتقالی ارتباطات مخالف است. این سنت که در ادامه جریان تاریخی از مارکس و مطالعات انتقادی مکتب فرانکفورت نشئت گرفته است، تا اقتصاد سیاسی، مطالعات فرهنگی انتقادی، نظریه فمینیسم و سایر مکاتب نظری مرتبط با جنبش‌های اجتماعی جدید ادامه می‌یابد. این سنت به این می‌پردازد که ساختارهای قدرت در جامعه با نادیده گرفتن نظام‌یافته گروه‌های کم‌قدرت مانع گفت‌وگوی آزاد می‌شود. در این سنت «مسئله ارتباط در جامعه از نیروهای مادی و ایدئولوژیکی ناشی

می شود که از تأمل گفتمانی جلوگیری کرده و یا آن را تحریف می کنند. ارتباطی که به این شیوه فهم می شود، توضیح می دهد که چگونه بی عدالتی اجتماعی توسط تحریف های ایدئولوژیک استمرار می یابد و چگونه می توان عدالت را به طور بالقوه از رهگذر کاربست های ارتباطی که تأمل انتقادی یا آگاهی افزایی را برای برداشتن نقاب از چهره آن تحریف ها ممکن می کنند تا از این طریق، کنش سیاسی را برای آزادسازی کسانی که دچار این تحریف ها هستند، ممکن سازند» (Craig, 2007: 85).

جدول ۱- خلاصه هفت سنت ارتباطی (Craig, 2007: 74-75)

سنت ها	بلاغی	نشانه شناختی	پدیدار شناختی	سایبرنتیک	اجتماعی- روان شناختی
ارتباط نظریه پردازی شده است، به مثابه:	هنر کاربردی گفتمان	واسطه گری (دلالت) بینا ذهنی توسط نشانه ها.	تجربه دیگر بودگی؛ گفت و گو.	پرداش اطلاعات.	بیان، کنش متقابل و تأثیر.
مسائل ارتباطات نظریه پردازی شده اند به مثابه:	اشوب اجتماعی نیازمند شور و قضاوت جمعی است.	عدم فهم شکاف میان دیدگاه های سوژکتیو.	فقدان، یا ناکامی در حفظ روابط انسانی درست.	اختلال، اضافه بار، یک کارکرد بد یا اشکال و گیر در سیستم.	موقعیت نیازمند دست کاری علت های رفتار برای به دست آوردن نتایج مورد نظر.
واژگان فراگفتمانی مانند:	هنر، روش، ارتباط گر، مخاطب، راهبرد، امر معمول، منطق، احساس.	نشانه، نماد، شمایل، نمایه، معنی، مدلول، رمز، زبان، رسانه، فهم (بدهمی).	تجربه، خود و دیگری، گفت و گو، صداقت (درستی)، گشودگی.	منبع، دریافت کننده، سیگنال، اطلاعات، اختلال، بازخورد، تکرار، شبکه، عملکرد.	رفتار، متغیر، تأثیر، شخصیت، احساس، ادراک، شناخت، نگرش، کنش متقابل.
پذیرفتنی است هنگامی که به امور معمول فراگفتمانی متوسل می شود، مانند:	قدرت کلمات، ارزش قضاوت آگاهانه، قابلیت پیشرفت کاربست.	فهمیدن نیازمند زبان مشترک است؛ خطر همیشگی سوء ارتباط.	همه به تماس انسانی نیازمندند؛ باید با دیگران به مثابه اشخاص تفاوت ها احترام بگذارند؛ دنبال زمینه مشترک باشند.	این همانی ذهن و مغز، ارزش اطلاعات و منطق، نظام های پیچیده قابل پیش بینی اند.	ارتباطات منعکس کننده شخصیت است؛ باورها و احساسات به قضاوت ها سوگیری می دهند؛ در گروه ها مردم بر روی همدیگر تأثیر می گذارند.

انتقادی	اجتماعی - فرهنگی	سنت ها
اندیشه گفتمانی	(باز) تولید نظم اجتماعی	ارتباط نظریه پردازی شده است، به مثابه:
ایدئولوژی مسلط، تحریف سیستماتیک وضعیت گفتار	تعارض؛ از خود بیگانگی؛ اختلاف؛ شکست هماهنگی	مسائل ارتباطات نظریه پردازی شده اند به مثابه
ایدئولوژی، دیالکتیک، ظلم، بالا بردن آگاهی، آزادی	جامعه، ساختار، کاربست، آیین، نقش، اجتماعی کردن، فرهنگ، هویت، هم-ساختن	واژگان فراگفتمانی مانند:
خود تداوم یابی قدرت و ثروت، ارزش آزادی، برابری و عقل، گفت و گو باعث آگاهی و بینش می شود	فرد محصولی از جامعه است؛ هر جامعه فرهنگ متمایز خود را دارد؛ کنش های اجتماعی تأثیراتی غیر عمدی دارند.	پذیرفتنی است هنگامی که به امور معمول فراگفتمانی متوسل می شود، مانند:
طبیعی بودن و عقلانیت نظم اجتماعی سنتی، عینیت علم و فناوری	عامل فردی و مسئولیت؛ این همانی مطلق خود؛ تطبیقی بودن نظم اجتماعی	جالب توجه است، هنگامی که امور عمومی فراگفتمانی را به چالش می کشد، مانند:

۳- روش پژوهش

روش این پژوهش بر اساس روش فراتحلیل^۱ است. فراتحلیل روشی است که در آن خروجی و نتایج تحقیقات قبلی به صورت یکپارچه در هم ادغام می شود و مورد تجزیه و تحلیل های آماری قرار می گیرد (Arik, 2021: 4). از منظر گلاس مبدع این روش فراتحلیل، تحلیل آماری یک مجموعه بزرگ از نتایج آماری مربوط به مطالعات مختلف به منظور یکپارچه سازی نتایج آنها است (Glass, 1976). فراتحلیل روشی برای ترکیب نتایج مطالعات متعدد مستقل از یکدیگر در مورد موضوعی خاص و انجام تجزیه و تحلیل آماری یافته های تحقیقاتی است. اساساً رویکرد فراتحلیل که در پی ادغام و ترکیب نتایج پژوهش های قبلی است، چیزی متفاوت و فراتر از روش های تحلیلی نیست. هدف این روش اساساً ترکیب نتایج تحقیقات قبلی به وسیله روش های آماری جهت رسیدن به نتایج جدید است (آزادی احمدآبادی، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۴). در این روش پژوهشگر با ثبت داده های تجمعی از پژوهش ها آنها را در قالب مفاهیم کمی در آورده و مورد تحلیل های آماری نیز قرار می دهد (افخمی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

پنج مرحله روش فراتحلیل عبارت است از: سوال تحقیق باید به طور واضح و دقیق ارائه شود؛ ادبیات به طور مؤثر جستجو شود؛ اطلاعات توصیفی جمع آوری شده از هر

1- meta-analysis

مطالعه به درستی کدگذاری شود؛ داده های عددی رمزگذاری شده تجزیه و تحلیل آماری شوند و در نهایت نتایج تفسیر شوند (Arik, 2021: 4).

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش تمامی رساله های دفاع شده رشته علوم ارتباطات در دانشگاه علامه طباطبایی در طی ده سال گذشته (۱۳۹۰-۱۴۰۰) بوده است. در دانشگاه علامه ۵۶ رساله دکتری علوم ارتباطات (طبق اطلاعات ثبت شده در سایت کتابخانه ای این دانشگاه تا پایان زمان گردآوری داده این تحقیق یعنی تابستان ۱۴۰۱) طی ده سال گذشته دفاع شده است. در این پژوهش حجم نمونه به این صورت است که تمام ۵۶ رساله دکتری دانشگاه علامه به صورت سرشماری تحلیل شده است. دلیل انتخاب این دانشکده این است که دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی بیشترین قدمت آکادمیک در حوزه ارتباطات را دارد و بنا بر این، بیشترین رساله دکتری را در میان دانشگاه های دولتی به خود اختصاص داده است.

جدول ۲- فراوانی رساله های دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

سال انتشار	تعداد رساله های دفاع شده دانشگاه علامه
۱۳۹۰	۱۰
۱۳۹۱	۲
۱۳۹۲	۶
۱۳۹۳	۳
۱۳۹۴	۱
۱۳۹۵	۴
۱۳۹۶	۹
۱۳۹۷	۷
۱۳۹۸	۳
۱۳۹۹	۱۰
۱۴۰۰	۱
مجموع	۵۶

به منظور تحلیل رساله های دکتری، ابتدا فرم یا چک لیستی از متغیرها مورد نیاز برای تحلیل ایجاد شد. این فرم شامل ۱۴ ستون از مقولات بود که عبارت بودند از: عنوان اثر، نویسنده، استاد راهنما، تعداد صفحات، تاریخ دفاع، واژگان کلیدی، حوزه موضوعی،

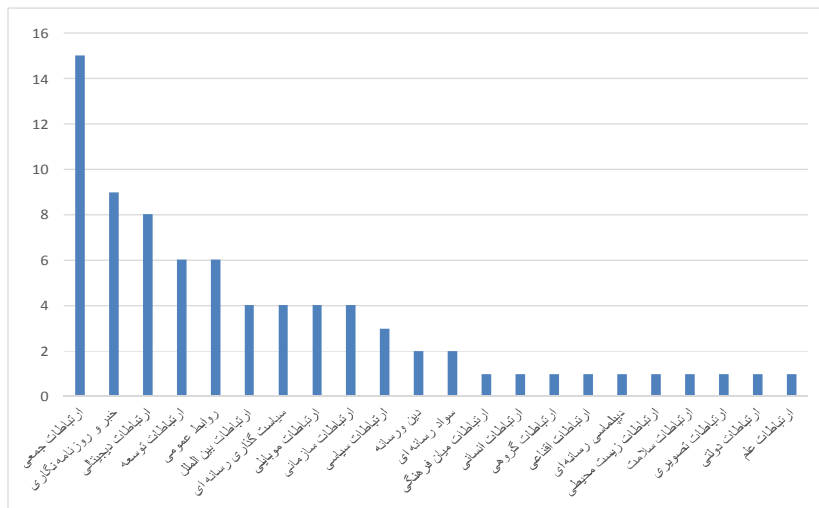
مسئله یا هدف پژوهش، سوالات اصلی پژوهش، رویکرد روشی، روش‌های تحلیل، نحوه نظریه‌پردازی، نظریه‌های اصلی مورد استفاده، نظریه‌پردازان اصلی، نتیجه‌گیری. این مقولات با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کمی و بر اساس مؤلفه‌های مطرح شده در نظریه هفت سنت ارتباطی رابرت کرایگک مورد تحلیل قرار گرفت. اهمیت تحلیل محتوا در تعیین مقوله‌های تحقیق است که متناسب با هدف و سوالات تحقیق تعیین می‌شوند (افخمی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). به این منظور جهت تحلیل سنت‌های ارتباطی در رساله‌های دکتری به ترتیب از بخش چکیده، واژگان کلیدی، سوالات تحقیق، اهداف تحقیق، جمع‌بندی ادبیات نظری و مفهومی و روش‌های تحلیل هر ۵۶ رساله به صورت کامل مطالعه شد و در سلول‌های تحقیق قرار گرفت؛ سپس، بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده و به روش استنباطی از ترکیب عنوان، واژگان کلیدی، سوالات تحقیق، اهداف تحقیق، نظریه‌های اصلی مورد استفاده تحقیق و نتایج کار سنت مورد استفاده هر یک از رساله‌ها تعیین شد. در ادامه به تشریح و توصیف یافته‌های پژوهش می‌پردازیم.

۴- تحلیل تجربی

یافته‌های پژوهش

الف- حوزه موضوعات اصلی رساله‌های دکتری ارتباطات

از مجموع ۵۶ رساله مورد مطالعه، به ۷۷ حوزه موضوعی در زمینه مطالعات ارتباطات دست یافتیم. جهت کدگذاری دقیق‌تر ابتدا حوزه‌های موضوعی بر اساس تعاریف موجود توصیف شد و سپس به منطق تعریف عملیاتی درآمد. لازم به ذکر است به‌جز برخی از موضوعات که به دلیل اهمیت قابل مقوله‌بندی شدن به عناوین کلی‌تر نبوده‌اند، سایر موضوعات در عناوین کلی‌تری طبقه‌بندی شد تا امکان تحلیل و تطبیق بیشتر فراهم شود؛ به‌عنوان مثال، مطالعاتی که در حوزه ارتباطات اینترنت، فضای مجازی، عصر دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی، جامعه شبکه‌ای و... انجام شده بود، ذیل ارتباطات دیجیتال طبقه‌بندی شد چراکه به نظر می‌رسید، ارتباطات دیجیتال اعم از سایر عناوین حوزه‌ای بوده است.



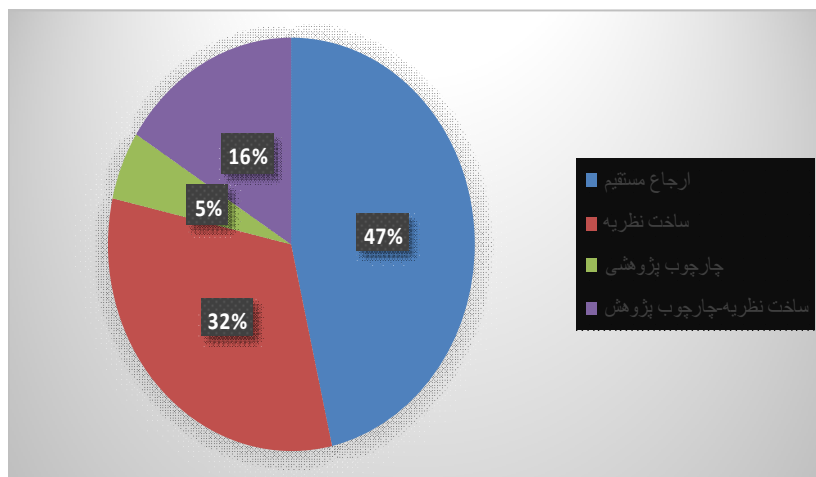
نمودار ۱- حوزه موضوعات اصلی رساله های دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

طبق داده های نمودار ۱، می توان گفت دانشگاه علامه طباطبایی حوزه های موضوعی متنوع ارتباطات، رساله دکتری داشته است؛ به طوری که در ۲۲ حوزه موضوعی رساله دفاع شده دارد. در این میان، همان طور که قابل مشاهده است موضوع ارتباطات جمعی بیشترین موضوع مورد علاقه دانشجویان این دانشکده بوده است و بعد از آن موضوع خبر و روزنامه نگاری، ارتباطات دیجیتال و ارتباطات توسعه، سه موضوع اصلی مورد علاقه این دانشکده محسوب می شود. باید اشاره کرد که وضعیت مطالعاتی این دانشکده در موضوعات مهمی چون: ارتباطات انسانی، ارتباطات گروهی و ارتباطات اقناعی که از زیرشاخه های اصلی و قدیمی دانش ارتباطات هستند، زیاد نیست و تولید ادبیات بسیار کمی در این خصوص انجام گرفته است.

ب- نحوه استفاده از نظریه در رساله

یکی از بخش های مهم هر رساله فصل مربوط به ادبیات نظری بحث می باشد. برای تعیین نحوه استفاده از نظریه ها در رساله های دکتری به این بخش رجوع شد و بخش جمع بندی رساله ها مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً در چهار مقوله نحوه مواجه

پژوهشگران با نظریه‌ها تحلیل شد. تحلیل‌ها عبارتند از ساخت نظریه (شامل: پیشنهاد، حمایت، گسترش، تجمیع نظرات)، چارچوب پژوهشی (استفاده از مدل یا نظریه‌ای جهت انجام پژوهش تجربی یا کمی)، ارجاع مستقیم (ارجاع مستقیم به نظریات بدون هیچ دخل و تصرفی با تأکید بر پژوهش‌های کیفی)، ساخت نظریه-چارچوب پژوهشی (که شامل ترکیب این ساحت می‌شود و اشاره به رساله‌هایی دارد که از چارچوب نظریه‌ای خاص استفاده کرده‌اند، اما درعین حال تلاش کرده‌اند تا آن را گسترش دهند و به ابعاد آن اضافه کنند).



نمودار ۲- نحوه استفاده از نظریه در رساله‌ها

طبق نمودار ۲، ۴۷ درصد از رساله‌ها تنها به نظریات ارجاع مستقیم داده‌اند، ۵ درصد از چارچوب پژوهشی استفاده کرده‌اند و ۳۲ درصد به ساخت نظریه مبادرت ورزیده و ۱۶ درصد نیز شامل ساخت نظریه-استفاده از چارچوب پژوهشی می‌شوند. این نشان می‌دهد در مجموع نیمی از تلاش‌های پژوهشی در این دانشگاه به سمت ساخت نظریه در جریان بوده است.

ج- سنت‌های ارتباطی رساله‌های دکتری دانشگاه علامه

شاید مهم‌ترین بخش این پژوهش کشف سنت‌های ارتباطی رساله‌های دکتری بوده است. به این منظور، ادبیات نظری رابرت کرایگ تبدیل به مفاهیم و تعاریف عملیاتی شد

بررسی سنت های نظری علوم ارتباطات در ایران با اتکا بر هفت سنت نظری

و از بخش چهار مسئله و هدف پژوهش، سوالات اصلی و فرعی، نظریات مورد استفاده و نتایج تحقیق رساله، به صورت استنباطی سنت هر رساله تعیین شد. شایان ذکر است که هر پژوهشگر با ترکیب نظریات و مسئله و نحوه پرداخت به آن، عملاً در یک یا چند سنت نظری در حال عمل کردن است اما می توان گفت که در هیچ یک از رساله های مورد

اجتماعی - فرهنگی	انتقادی	اجتماعی - روان شناختی	نشانه شناختی	سایبرنتیک	پدیدارشناختی	بلاغی	کل
۲۶	۲۲	۲۱	۱۲	۳	۳	۱	۸۸
۳۰٪	۲۵٪	۲۴٪	۱۴٪	۳٪	۳٪	۱٪	۱۰۰٪

بررسی، صراحتی به سنت نظری پژوهش نشده است؛ لذا به صورت معکوس، ما از ترکیب عمل های پژوهشی پژوهشگران، سنت نظری تحقیقات را تعیین کرده ایم.

جدول ۳- فراوانی سنت های ارتباطی دانشگاه علامه طباطبایی

همان طور که مشاهده می کنیم، سنت اجتماعی فرهنگی و سنت انتقادی در بیشترین استفاده را داشته است؛ سپس سنت اجتماعی روان شناختی و سنت نشانه شناختی بیشترین استفاده را داشته اند، اما به صورت معناداری سه سنت سایبرنتیک و پدیدارشناختی و بلاغی کمترین استفاده را در میان رساله ها داشته اند.

د- رویکردهای روشی رساله های دکتری

۴۶ درصد رساله های دکتری مورد بررسی رویکرد کیفی را در روش پژوهش اتخاذ کرده اند و ۴۱ درصد به صورت ترکیبی و تنها ۱۳ درصد از آثار دارای رویکرد کمی بوده است. به نوعی نسبت رویکردهای تلفیقی و کیفی با هم برابر است اما رویکردهای کمی بسیار کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

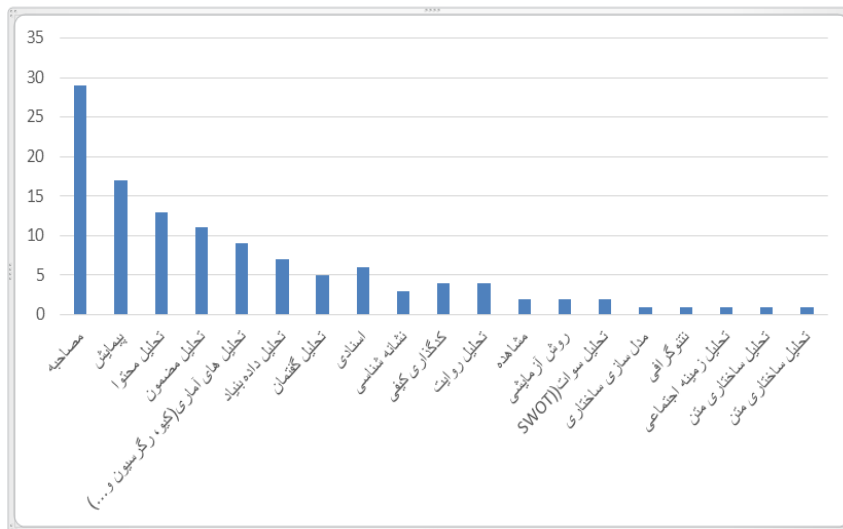
جدول ۴- رویکردهای روشی رساله های دکتری دانشگاه علامه

کیفی	کمی-کیفی	کمی	کل
۲۶	۲۳	۷	۵۶
۴۶٪	۴۱٪	۱۳٪	۱۰۰٪

ح- روش‌های اصلی مورد استفاده در رساله‌ها

روش مصاحبه با فراوانی ۲۹ مورد، روش پیمایش با ۱۷ مورد، روش تحلیل محتوا با ۱۳ مورد و روش تحلیل مضمون با ۱۱ مورد، بیشترین روش‌های مورد استفاده در رساله‌های دکتری دانشگاه علامه بوده است.

همان‌طور که در نمودار ۳ مشاهده می‌کنیم، اگرچه روش‌های کیفی متنوعی در رساله‌ها مورد استفاده قرار گرفته، اما بیشترین روش مورد استفاده در رساله‌های دکتری، تحلیل مضمون است و در جایگاه بعدی روش‌های تحلیل داده بنیاد و تحلیل گفتمان قرار دارند.



نمودار ۳- روش‌های اصلی مورد استفاده در رساله‌ها

۵. نتیجه‌گیری

مطالعات آکادمیک دانش ارتباطات در سال‌های گذشته همواره با مسئله رشته‌ای، میان‌رشته‌ای یا فرارشته‌ای بودن این علم درگیر بوده است و همچنان نیز خوانش‌های متفاوتی در این خصوص وجود دارد. مقاله حاضر، به هفت سنت نظریه ارتباطات رابرت کرایگ اشاره داشته و با توضیحی تفصیلی به ابعاد و مؤلفه‌های آن پرداخته است؛ سپس مدل کرایگ را به مثابه چارچوب پژوهشی اتخاذ کرده و ۵۶ رساله دکتری علوم

ارتباطات را که طی ۱۰ سال گذشته در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع شده، با روش فراتحلیل، تحلیل کرده است. در ادامه به مهم ترین نتایج پژوهش می پردازیم.

۱- موضوع ارتباطات جمعی با فراوانی ۱۵ رساله، ارتباطات دیجیتال با فراوانی ۹ رساله و خبر و روزنامه نگاری با فراوانی ۸ رساله به ترتیب سه موضوع پرتکرار و پر کاربرد در تحقیقات دکتری رشته ارتباطات دانشگاه علامه به حساب می آیند. این در حالی است که موضوعات مهم ارتباطی مانند ارتباطات انسانی، ارتباطات گروهی و ارتباطات اقناعی که جزو زیرشاخه های اصلی و قدیمی دانش ارتباطات به حساب می آیند کمتر مورد مطالعه در مقطع دکتری قرار می گیرند. همچنین جهت دهی دانشکده ارتباطات علامه در انتخاب موضوعات این رساله ها کاملاً مشهود است به طوری که دانشگاه علامه به علت داشتن گرایش روابط عمومی و روزنامه نگاری تعداد رساله های قابل ملاحظه ای در این زمینه دفاع کرده است.

۲- ۴۷ درصد از رساله های دکتری در بخش ادبیات نظری صرفاً به نظریات موجود ارجاع دادند و ۵ درصد از چارچوب پژوهشی جهت استفاده در تحقیقات تجربی استفاده کرده اند. ۱۶ درصد به صورت هم زمان از چارچوب و ساخت نظریه استفاده کرده اند و ۳۲ درصد به سمت ساخت نظریه حرکت کرده اند. لذا می توان گفت بیش از نیمی از پژوهش های دکتری این دانشگاه به سمت ساخت نظریه حرکت کرده است.

۳- در میان هفت سنت ارتباطی رابرت کرایگ، سنت اجتماعی- فرهنگی با ۳۰ درصد، سنت انتقادی با ۲۵ درصد و سنت اجتماعی- روان شناختی با ۲۴ درصد بیشترین سنت های ارتباطی مورد استفاده در ایران هستند. در طرف مقابل سنت های سایبرنتیک، پدیدارشناختی و بلاغی کمترین استفاده را داشته اند. به بیان دیگر میزان استفاده از این سنت ها نسبت به سه سنت اول در ایران متعادل نیست. به خصوص سنت بلاغی که ریشه در فرهنگ تاریخی ایرانیان نیز دارد. به نظر می رسد به خصوص ظرفیت سنت های بلاغی و پدیدارشناختی در مطالعات ایران بسیار بالا باشد.

۴- بیش از ۴۶ درصد پژوهش های دکتری با رویکرد کیفی انجام شده است و حدود ۴۱ درصد نیز به صورت ترکیبی و تنها ۱۳ درصد از رساله های دکتری با رویکرد کمی انجام شده است. این در حالی است که رویکرد روشی غالب در ابتدای شکل گیری دانش آکادمیک ارتباطات در آمریکا کمی بوده است.

۵- همچنین بیشترین روش مورد استفاده در رساله‌های دکتری، روش مصاحبه بوده است. سپس روش پیمایش بیشترین کاربرد را داشته است. در نتیجه، باید گفت که در هیچ‌یک از رساله‌های دکتری مسئله سنت‌های ارتباطی مطرح نبوده است و پژوهشگران اساساً مسئله پیشبرد نظری چیزی به نام دانش ارتباطات را نداشته‌اند؛ آنان چه در موضوعات و چه در پرداخت نظری، آثار خود را ادامه سنت نظری خاصی معرفی نکرده و بر سنت‌های موجود چیز جدیدی نیفزوده‌اند. می‌توان گفت مسئله سنت‌های نظری در ایران اساساً به عنوان یک التزام گفتمانی مطرح نشده است و این باعث می‌شود که تلاشی برای ساخت هسته مرکزی نظریه ارتباطات که می‌تواند این دانش را از وضعیت پراکندگی خارج کند، صورت نگیرد. همچنین بسیاری از سنت‌های نظری مهم مانند بلاغت که ریشه تاریخی در فرهنگ دینی و دانشی ایران و اسلام دارد، مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

بنا بر این، مقاله حاضر پیشنهاد می‌کند که با استفاده از سنت نظری کرایگ یا هر مدل دیگری، تمامی رساله‌های دکتری خود را ملزم بدانند تا در بخشی از رساله به این مسئله بپردازند که اساساً پژوهششان در کدام سنت قرار می‌گیرد و آیا تلاشی برای پیشبرد نظری مسئله‌شان در آن سنت رخ خواهد داد یا خیر؟ همچنین حیطه موضوعات حیاتی و مهمی که در کشور به عنوان مسئله ارتباطی روز مطرح است، می‌تواند در رساله‌های دکتری مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله: ارتباطات انسانی، ارتباطات گروهی، ارتباطات اقناعی، ارتباطات دولتی، سلامت و غیره.

همچنین پیشنهاد می‌شود تا با استفاده از مدل نظری کرایگ و روش اتخاذ شده در این مقاله، سایر خروجی‌های مکتوب علمی در حوزه دانش ارتباطات، از جمله تحلیل سایر رساله‌های دکتری ارتباطات دانشگاه‌های دولتی و غیر انتفاعی، مورد تحلیل قرار گیرد.

محدودیت‌های تحقیق

بزرگ‌ترین محدودیت این تحقیق عدم دسترسی کامل به رساله‌های دکتری علوم ارتباطات در دانشگاه تهران بوده است؛ به‌نحوی که از مجموع ۳۰ رساله دفاع شده تا زمان تحلیل داده‌های این پژوهش در دانشگاه تهران، تنها ۱۴ رساله قابل دسترسی بوده است و لذا امکان مقایسه رساله‌های این دو دانشگاه در این تحقیق وجود نداشت.

منابع

- آزادی احمدآبادی، قاسم (۱۳۹۲). «رویکرد فراتحلیلی: ظرفیت ها و خلأها»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۱: ۸۲-۸۹.
- بشیر، حسن (۱۳۸۷). «معناشناسی جدید ارتباطات: زمینه سازی برای شناخت عمیق تر رابطه فرهنگ و رسانه»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۳: ۱۳۱-۱۵۵.
- دونزباخ، ولفگانگ (۲۰۰۸). «ارتباطات: تاریخچه ایده»، کتاب فلسفه ارتباطات دانشنامه موضوعی ارتباطات ۲، ترجمه احسان شاه قاسمی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- دونزباخ، ولفگانگ (۲۰۰۸) «نظریه و فلسفه ارتباطات»، کتاب فلسفه ارتباطات، دانشنامه موضوعی ارتباطات ۲، ترجمه احسان شاه قاسمی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- عبداللهی نژاد، علیرضا؛ افخمی، حسین (۱۳۹۱). «ارتباطات سیاسی در ایران: فراتحلیل مقاله های علمی موجود»، نشریه جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۱: ۹۵-۱۱۳.
- غمامی، سید محمدعلی؛ اسلامی تنها، علی اصغر (۱۴۰۱). «هم شناسی فرهنگی، به مثابه الگوی ارتباطات میان فرهنگی در قرآن؛ رویکردی تطبیقی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۵۷: ۷-۳۰.
- فیسک، جان (۱۹۹۰). درآمدی بر مطالعات ارتباطی، ترجمه مهدی غبرایی، تهران: انتشارات: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- کرایگ، رابرت تی (۱۳۹۱). «سنت های هفتگانه نظریه ارتباطات»، فصلنامه رسانه های نوین و فرهنگ، شماره ۱: ۱۴۹-۱۶۰.
- ولن لون، یوست (۲۰۰۷). تکنولوژی رسانه ای از منظری انتقادی، ترجمه: احمد علیقلیان، تهران، انتشارات همشهری.
- ویسبورد، سیلویو (۲۰۱۹). ارتباطات: یک پساارشته، ترجمه محسن گودرزی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- هارت، هانو (۱۹۹۲). مطالعات انتقادی ارتباطات، ترجمه دکتر غلامرضا آذری و همکاران، تهران: انتشارات خجسته.
- یوسفی، مهدی (۱۳۸۹). فلسفه و فراتحلیلهای دانش ارتباطات درآمدی بر چارچوب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- یوسفی، مهدی؛ بدره، محسن (۱۳۹۵). تخته پاره ها، درآمدی بر فلسفه ارتباطات،

تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- Arik, E. & Arik, M. B. (2021). "A Meta Analysis Study for Graduate Thesis on Media Literacy in Turkey", Online Journal of Communication and Media Technologies, 11(4), 1-16.
- Craig, R. & Xiong, B. (2022). "Traditions of communication theory and the potential for multicultural dialogue", Journal of Multicultural Discourses, 17(1), 1-25.
- Craig, R. (2009). Theorizing communication, reading across tradition, Publish by SAGE.
- Glass, G. V. (1976). "Primary, secondary, and meta-analysis of research", Educational Researcher, 5(10), 3-8.
- Herbst, S. (2008). "Disciplines, Intersections, and the Future of Communication Research", Journal of Communication, 58, 603-614.
- "Tradition." Merriam-Webster.com Dictionary, Merriam-Webster, <https://www.merriam-webster.com/dictionary/tradition>. Accessed 27 Apr. 2023.

